

هنرهای صنایع خراسان بزرگ

دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

Vol. 1, No.1, Spring 2023

۱-۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴

بررسی صوری و معنایی سوزن‌دوزی‌های شمال خراسان (مطالعه موردی شهرستان‌های بجنورد، شیروان، فاروج و قوچان)

➤ **علیرضا شیخی:** استادیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی دانشگاه هنر، شهر تهران، ایران a.sheikhi@art.ac.ir

➤ **میترا شجاعی مقدم*:** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، شهر بجنورد، ایران

➤ **ندا گودرزی:** دانشجوی کارشناسی ارشد هنرهای اسلامی، موسسه آموزش عالی فردوس، شهر مشهد، ایران goodarzi.ned@gmail.com

Abstract

Embroidered Needle is a traditional art that has long been used in Iran with respect to climate, culture, tradition and beliefs. Among the less known regions in this area is the Embroidered Needle of north of Khorasan, including Bojnourd, Shirvan, Faruj, Quchan, and their villages. These works associated with simplicity have a variety of concepts and themes. The purpose of this paper is to study, classify, and analyze of the motifs of Embroidered Needle in the mentioned cities. Therefore, the aim of this study is to answer the following question: "what are the motifs used in the Embroidered Needle of the mentioned regions and what do they mean in the context of art anthropology?" The research method is descriptive and analytic from the perspective of art anthropology. The required information based on visual documents is provided by the authors of the present study, library documents, and internet sites. The findings show that the motifs reflect the concerns of the mind and the context of life and enjoy originality. The brevity of these works is notable. Embroidered Needle can be categorized in the form of human, plant, animal, and inscription. The thing that decorates our houses tells us about the interpersonal relationships, friendship with nature, expectations, dreams, beliefs, and stories. Many of the motifs contain grace, contentment and hope in God. These canvases, with the richness of color were used as bundles, napkins, curtains and shelf covers and narrate some kind of interaction and companionship with the life context of the people of this region.

Keywords: Khorasan, Embroidered Needle, motifs, art anthropology.

چکیده

سوزن‌دوزی از جمله هنرهای سنتی است که از دیرباز در ایران با توجه به اقلیم، فرهنگ، رسوم و باورها گستردگی قابل‌ملاحظه‌ای دارد. از مناطق کمتر شناخته‌شده در این حوزه، سوزن‌دوزی شمال خراسان شامل شهرستان‌های بجنورد، شیروان، فاروج، قوچان و روستاهای تابع است. این آثار با سادگی و خلوتی دارای مفاهیم و مضامین متنوعی هستند. هدف این مقاله مطالعه، دسته‌بندی و تحلیل نقوش سوزن‌دوزی شهرستان‌های مذکور است. بنابراین در پی پاسخ به این سؤال است که نقوش به‌کار رفته در سوزن‌دوزی مناطق مذکور چیست و چه معنا و مضمونی از منظر انسان‌شناسی هنر دارند؟ روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی از منظر انسان‌شناسی هنر است. اطلاعات بر مبنای مستندات تصویری، به‌صورت میدانی توسط نگارندگان، اسناد کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی فراهم شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که نقوش، بازتاب دغدغه‌های ذهنی و محیط زندگی بوده و از اصالت برخوردار هستند و ایجاز‌گویی این آثار قابل‌توجه است. سوزن‌دوزی‌ها را می‌توان در قالب‌های انسانی، گیاهی، حیوانی و کتیبه دسته‌بندی نمود. آنچه زینت‌بخش خانه‌ها می‌باشد، روابط بین فردی، دوستی با طبیعت پیرامونی، انتظار و یا آرزوهای فردی، اعتقادات و داستان‌ها را حکایت دارد. بسیاری از نقوش دربردارنده خواست برکت، قناعت و امید به‌حق هستند. این پرده‌ها با غنای رنگی به‌عنوان بقچه، دستمال، پرده و رو طاقچه‌ای کاربردی داشته و به‌نوعی، تعامل و هم‌نشینی با محیط زندگی مردم این خطه را روایت می‌کند.

واژگان کلیدی: خراسان، سوزن‌دوزی، نقوش و معنا، انسان‌شناسی هنر

مقدمه

رودوزی‌ها از موارد مختلفی چون الهام یا الگوپذیری از طبیعت، آرایش هندسی منظم، فرهنگ و جغرافیا، آداب و رسوم، احساسات و غیره تأثیر پذیرفته‌اند. زنان و دختران نقش مؤثری در این امر دارند و انجام این فعالیت‌ها یکی از دلایل مستحکم‌شدن روابط انسانی است. اهداف این پژوهش، دسته‌بندی نقوش سوزن‌دوزی شهرستان‌های بجنورد، شیروان، فاروج و قوچان و تحلیل آن بر مبنای انسان‌شناسی هنر می‌باشد. از این حیث «اشیای هنری» از سه دیدگاه اصلی تحلیل می‌شوند: شمایل‌نگارانه، زیبایی‌شناسانه و کارکردی. سوزن‌دوزی‌ها با وجود اینکه کارکردها و معانی مشترکی دارند، گاه در برخی مناطق با توجه به سبک زندگی، افتراقاتی نیز دارند. برخی از آثار دارای نوشته و یادگاری است که میل به ماندگاری و حفظ خاطرات را نشان می‌دهد و گاه برای نشان دادن اندوه، شادی و یا اتفاقی است که در پیش است، مانند ازدواج یکی از فرزندان و جدا شدنش از اعضای خانواده و غیره. این مقاله می‌کوشد با سود جستن از رویکرد انسان‌شناسی هنر، به شناخت عمیق سوزن‌دوزی‌های این منطقه بپردازد. شیوه گردآوری اطلاعات با تمرکز بر مشاهدات و یافته‌های میدانی است و در پی پاسخگویی به این سؤالات است که چه نقش‌هایی در سوزن‌دوزی‌های منطقه شمال خراسان استفاده شده، مفاهیم نقوش سوزن‌دوزی‌ها چیست و میزان تعلق نقوش به اقلیم و جغرافیای منطقه چگونه است؟ تصاویر، با وجود اینکه شاخص‌های آکادمیک هنری ندارند، اما به‌طور واضح و آشکاری، به‌عنوان یک رسانه و اثر، دارای جوهر هنری هستند و از هارمونی، تعادل، ریتم، توازن، قرینه‌سازی، استفاده دقیق و درست از رنگ‌ها، ترکیب‌بندی، فرم و غیره برخوردارند و دارای نوعی نظم‌گریزی می‌باشند که بازتاب اندیشه و احساسات خالق اثر است. حفظ میراث هنری پیشینیان در خصوص رودوزی‌های این منطقه، نیز عدم انجام کار پژوهشی خاص و تصاویر در منابع مکتوب، ضرورت پژوهش است.

پیشینه پژوهش

نساجی، تاریخ لباس و انواع دوخت‌ها موضوعاتی کاملاً مرتبط باهم هستند. اسفندیاری در کتاب نگارشی بر روند سوزن‌دوزی‌های سنتی ایران چنین آورده است: در کتاب مقدمه ابن‌خلدون، در فصل مربوط به دست‌بافی آمده است که این دو حرفه (نساجی و دوخت) در میان مردم از روزگارهای کهن رواج داشته است. در کتاب تاریخ طبری نوشته محمد بن جریر طبری، کرباس‌بافی، ابریشم‌بافی، رسیدن نخ، بافتن پارچه‌های الوان و رودوزی‌ها به روزگار جمشید شاه پیشدادی نسبت داده شده است. از دیگر اسناد بیانگر رواج سوزن‌دوزی در ایران، لباس‌های درباریان و محافظین بقایای کاخ تخت جمشید و کاشی‌های مکشوفه در شوش را دانسته‌اند. کتاب سیری در صنایع دستی ایران تألیف جی گلاگ و سومی هیراموتو گلاگ با تأکید بر اینکه در قرن‌های بعد سوزن‌دوزی‌های بیزانس، تقلیدی از فرآورده‌های ایران بود بر اهمیت و رونق سوزن‌دوزی در دوره ساسانیان صحنه گذاشته‌اند (اسفندیاری، ۱۳۷۰: ۸-۲).

با توجه به بررسی‌های انجام شده، پژوهشی مشابه به‌خصوص در حوزه جغرافیایی شهرهای مورد پژوهش مشاهده نشد. اما در خصوص سوزن‌دوزی اقوام ایرانی می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره نمود: وجیهه دلاور نقابی و علیرضا شیخی، در مقاله *تحلیل پرده‌های سوزن‌دوزی خراسان در دوره معاصر (بررسی موردی در شهرستان‌های کاشمر و تربت‌حیدریه)* به دسته‌بندی و تحلیل محتوایی این هنر در دو شهر مذکور همت گمارده‌اند. شهین پزشکی، در کتاب *ابریشم‌دوزی‌های ایرانی* در شش فصل به تاریخچه و ابزار و موارد مورد نیاز سوزن‌دوزی، انواع دوخت، روش‌های طرح‌اندازی، معرفی ابریشم‌دوزی مناطق مختلف و چگونگی شست‌وشو و نگهداری سوزن‌دوزی‌ها پرداخته است. رویا هنرمند، در کتاب *سوزن‌دوزی‌های سنتی رایج در خراسان جنوبی*، به معرفی سوزن‌دوزی‌های رایج در این استان همچون: آجیده‌دوزی، بلوچ‌دوزی، چشمه‌دوزی، شبکه، نقره‌دوزی و غیره همراه با تصاویر مربوطه پرداخته است. صبا اسفندیاری، در کتاب *خودآموز ابریشم‌دوزی و انواع*

مستندات تصویری، به صورت میدانی توسط نگارندگان، نیز اسناد کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی فراهم شده است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش در حوزه جغرافیایی شمال خراسان شامل: شهرهای قوچان^۱، فاروج^۲، شیروان^۳، بجنورد^۴ و روستاهای تابع آن‌ها است. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند اجرا و مطالعه شده است. بدین معنا که برای دست یافتن به بیشترین داده‌ها، دست به انتخاب با حداکثر تفاوت زده شده است. از دیدگاه اول، اشیاء معنا را به رمز درمی‌آوردند یا چیزی را بازمی‌نمایانند یا معنای خاصی خلق می‌کنند. از منظر دوم، اشیاء به لحاظ تأثیر زیبایی‌شناختی یا کیفیات بیانی‌شان تحلیل می‌شوند. از دیدگاه سوم یا کارکردی؛ بحث، سه وجه غالب می‌یابد: کارکردهای اشیاء در آیین و مذهب، در نشان دادن ارزش، در دل‌پذیر ساختن چیزی (مورفی، ۱۳۸۵: ۳۰). سودمندترین رویکرد اولیه برای تبیین صورت (فرم) توجه به کارکرد است: شیء برای چه استفاده می‌شود؟ چه کار می‌کند؟ آثار آن چیست؟ بسیاری از اشیاء را می‌توان نه تنها شیء هنری که در وجوه فراوان دیگر در نظر گرفت (همان: ۳۹). در مورد فرهنگ مادی، «زیبایی‌شناسی» به تأثیر ویژگی‌های اشیاء بر حواس و نیز بُعد کیفی مشاهده اشیاء اشاره دارد. درک و دریافت بسیاری از ویژگی‌های مادی به صورت میان فرهنگی است. ویژگی‌های شیء از طریق درآمیختن با نظام‌های ارزشی و معنایی که آن‌ها را در فرایندهای فرهنگی ادغام می‌کنند، وجه زیبایی‌شناختی می‌یابند (همان: ۵۱).

سوزن‌دوزی‌های سنتی ایران و جهان دوخت‌های تزئینی شامل: سنگ، پولک، ملیله، مروارید، منجوق، سومه، دوخت‌های تزئینی را معرفی و باهدف احیا، آموزش داده است. فرخنده نیک‌کار، در کتاب *دریچه‌ای به گلستان هنر سوزن‌دوزی*، در آموزش انواع رودوزی‌ها کوشیده است. صبا اسفندیاری، در کتاب *نگرشی بر روند سوزن‌دوزی‌های سنتی ایران*، موضوعات مختلفی چون تاریخچه، مواد و مصالح، طرح و رنگ سوزن‌دوزی‌ها و انواع رودوزی اشاره داشته است. سید حسین مرگانی، در کتاب *گل‌های ابریشمی*، به ارائه فنون، روش‌ها و احیای دوباره هنر ظریف زری‌بافی پرداخته است. زهرا اردیبهشتی، در کتاب *طراحی و دوخت لباس‌های سنتی ایران*، سوزن‌دوزی‌های رایجی چون وحیده‌دوزی، بلوچ‌دوزی، چشمه‌دوزی، شبکه، نقده‌دوزی و غیره را در خراسان جنوبی معرفی می‌کند. زهرا خاموشی، در مقاله *تحول کاربردترین در سوزن‌دوزی بلوچ و ترکمن به شیوه سنتی*، به تزیینات به‌کاررفته در سوزن‌دوزی‌های اقوام ترکمن و بلوچ و تحولات اجتماعی پرداخته است و مرضیه قاسمی و سکینه محمودی، در مقاله *بررسی ساختار صوری نقوش طبیعی در سوزن‌دوزی زنان بلوچ (شهرستان سراوان)*، به شناخت پوشاک محلی و محصولات سوزن‌دوزی دست یازیده‌اند.

روش پژوهش

روش تحقیق، توصیفی و از منظر انسان‌شناسی هنر به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته است. اطلاعات بر مبنای

۱. قوچان: قدمت قوچان به حدود ۲۵۰ سال پیش از میلاد برمی‌گردد. اولین پایتخت سلسله اشکانی در حدود سال ۲۵۰ قبل میلاد حوالی قوچان امروز بوده است (شاکری، ۱۳۶۵: ۲۰). روستاهای مورد مطالعه در این شهر داغیان و سالانقوج است. مهم‌ترین صنایع دستی مردم قوچان، عبارت‌اند از: پوستین‌دوزی، نمدمالی، گلیم‌بافی، دوختن چاروق (گونه‌ای کفش)، ساغری، گیوه و کفش کیمخت، فرش و قالیچه بافی، جاجیم‌بافی، عرقچین‌دوزی، جوراب‌بافی، دستکش‌پشمی، آله‌جه‌دوزی و غیره (همان: ۲۰۱).

۲. فاروج: شهر فاروج در ۳۰ کیلومتری غرب قوچان قرار دارد. فاصله این شهر تا شهر شیروان نیز به همین مقدار است (رضازاده خسرویه، ۱۳۸۴: ۱۰۰). آبادانی این شهر مربوط به زمان پارت‌ها و ساسانیان بوده است (شیخ، ۱۳۸۹: ۱۶۹). تعدادی از روستاهای تابع این شهر که مطالعه موردی در آنجا انجام شده چوکانلو، خسرویه، مَفرنقاه است.

۳. شیروان: با پهنه‌ای حدود ۹۴۰ هکتار در شمال خراسان، در مسیر اصلی مشهد-گرگان قرار دارد (افشار، ۱۳۷۸: ۲۵۵). مهم‌ترین صنایع دستی مردم شیروان عبارت‌اند از: فرش، خرسک، قالیچه، گلیم، جاجیم، نمد، پوستین، دستکش، جوراب، شال‌گردن، کلاه، پایتابه، چوخه/چوخا، کیسه حمام، خورجین، جوال (همان: ۲۶۲-۲۶۳). روستای مورد مطالعه در این شهر گلیان است.

۴. بجنورد: این شهرستان از شمال به کشور ترکمنستان، از خاور به شهرستان‌های شیروان و اسفراین، از جنوب به شهرستان‌های اسفراین و سبزوار و استان سمنان و از باختر به شهرستان‌های گنبدکاووس استان گلستان و شاهرود استان سمنان محدود است (افشار، ۱۳۷۸: ۱۵۷). در این منطقه، صنایع دستی فرش و قالیچه بافی با طرح‌های کردی و ترکمنی، گلیم و جاجیم‌بافی، پالاس بافی (فرش‌های محلی) و غیره رایج است (همان: ۱۶۱).

سوزن‌دوزی در شمال خراسان

اسفندیاری رودوزی‌های ایرانی را به شش دسته تقسیم می‌کند. رودوزی‌های شمال خراسان در دسته دوم قرار می‌گیرند که قسمتی از زمینه آن‌ها را دوخت پُر می‌کند و زمینه به رنگ اصلی خود باقی می‌ماند، مانند ابریشم‌دوزی، خامه‌دوزی، قیطان‌دوزی و مضاعف‌دوزی (اسفندیاری، ۱۳۷۰: ۴۶). در اکثر نقاط خراسان انواع و اقسام سوزن‌دوزی‌ها رایج است. سوزن‌دوزی‌هایی که هم‌اکنون در این استان رایج است عبارت‌اند از: ۱. گل‌دوزی روی پوستین، ۲. گل‌دوزی روی چارق، ۳. ملیله‌دوزی و منگوله بافی، ۴. سوزن‌دوزی و گل‌دوزی، ۵. یراق‌دوزی و ابریشم‌دوزی، ۶. زنجیر دوزی، ۷. سوزن‌دوزی‌های پوشاک کردهای ساکن شمال خراسان (قوچان)، ۸. سوزن‌دوزی‌های پوشاک مردم شرق خراسان (سید صدر: ۱۳۸۶: ۲۲۵).

اگرچه تصاویر اغلب واقع‌گرایانه و برگرفته از محیط پیرامون هستند، اما می‌توان برای برخی از آن‌ها مفهومی نمادین در نظر گرفت و به ارزش و معنای هر اثر پی برد. در واقع با درک مفاهیم، خوانش آثار درست و به‌دور از حدس و گمان انجام می‌شود. برخی از آثار دارای روایتی تصویری هستند که برگرفته از زندگی و اجتماع است و برخی فاقد روایت و فرم محض هستند. آشنایی با تعاریف و مفهوم هر عنصر تصویری، اهمیت و نقش آن را در زندگی واقعی به‌خوبی نشان داده است. نقوش و مفهوم آن، انعکاسی است از «تفسیر ذهنی» دوزنده از جهان و گاه بیان‌کننده مناسبات فی‌مابین. اگرچه دوزندگان در این مواجهه، بخش اعظمی از

پیچیدگی‌های جهان اطراف خویش را از دست می‌دهند، اما با ترکیب مناسب و قاعده‌مند غریزی آنچه می‌بینند، به خلق طرح‌واره‌هایی پرداخته که در جان و روحشان دمیده و با آن عجین شده‌اند. انتخاب نقش، فرم و رنگ، مؤلفه‌ای است که خلاقیت و تخیل را بارور می‌کند و باعث فردیت بخشیدن به اثر می‌شود. بنا به دلایل فوق به‌نظر می‌رسد، آشنایی با مفاهیم نقوش، حلقه اتصال مخاطب با اثر و درک صحیح‌تر آن باشد. در جهان پر رمز و راز این مردم، صنایع دستی جنبه تفننی ندارد. هر اثر، هدف و کاربرد جدی دارد. هنرمندان جوامع عشایری و روستایی کار دست را در خدمت شناخت و شیوه زندگی، تاریخ، جهان‌شناسی و رفتار اجتماعی به‌کار گرفته‌اند. به‌راستی صنایع دستی امانت‌دار و نگه‌دارنده پیام قوم است و زوالش، زوال فرهنگ قومی را به‌دنبال دارد (عنصری، ۱۳۸۰: ۸۳).

دسته‌بندی نقوش سوزن‌دوزی در شمال خراسان کتیبه

کتیبه‌ها شامل: آرم، اسماء مقدس و اهل‌بیت (ع)، ادبی و یادگاری هستند و در پی بیان نمودن معنایی خاص. برخی از این معانی برگرفته از اعتقادات مذهبی و باورهای مذهبی است و برخی دیگر، نشان‌دهنده حالات درونی و روحی افراد که در مسیر فصل‌جدیدی از زندگی قرا دارد، مانند ازدواج، تولد (مرسوم بوده است که به مناسبت‌های مختلفی مادران و یا نوزادان و دختران دم بخت به دوختن چنین دست‌دوزهایی دست‌یازیده‌اند) (جدول ۱).

جدول ۱. کتیبه‌ها در آثار سوزن‌دوزی شمال خراسان

			
کارکرد: رو لباسی	رو لباسی	رو لباسی	رو لباسی
مضمون: اسماء مقدس	یادگاری (اسم و تاریخ)	اسماء مقدس (پنج‌تن آل عبا)	یادگاری (شعر) چون عمر من بود و جان پایدار نیست / نزد دوست بهتر از این یادگار چیست؟
شهر: شیروان / روستا: گلیان	شهر: قوچان	شهر: بجنورد	شهر: قوچان / روستا: داغیان

	۸		۷		۶		۵
رو پشته		روبالشی / چاپشتی		پرده جلو طاقی		کارکرد: رو لباسی / پرده	
یادگاری / تبریک عروسی / تاریخ		یادگاری (شعر) حقیقت تلخ است نه به تلخی جدایی، جدایی سخت است نه به سختی تنهایی		آرم		مضمون: یادگاری (شعر، اسم، تاریخ) الهی صاحب این زنده باشد / دلش شاد و لبش پر خنده باشد	
شهر: فاروج / روستا: چوکانلو		شهر: فاروج / روستا: چوکانلو		شهر: فاروج / روستا: چوکانلو		شهر: بجنورد	

منبع: نگارندگان

زنانه نیز پرهیز می‌کردند. اما نگارندگان طی بررسی‌های انجام‌شده نقوش زیادی از تصاویر زنانه را در سوزن‌دوزی‌ها مشاهده کردند. قابل‌ذکر است، این نقوش بیشتر مربوط به منطقه بجنورد است. هانری زنه دالمانی در سفرنامه خود از خراسان تا بختیاری این نکته را مورد توجه قرار داده و نوشته است نقاشان چون از کشیدن شکل انسان ممنوع بوده‌اند به ترسیم نقشه‌های منظم هندسی پرداختند و بافندگان و دوزندگان در کارهای خود از این طرح‌ها استفاده می‌کردند (اسفندیاری، ۱۳۷۰: ۴۸) (جدول ۲).

نقوش انسانی

انسان مرکز دنیای نمادها است (شوالیه، ۱۳۷۸: ۱/۲۶۱). در تحلیل یونگ، آدم نماد انسان کیهانی است؛ خاستگاه تمام نیروهای روانی که اغلب در قالب یک حکیم پیر، با نمونه‌ی ازلی پدر یا نیا پیوند می‌شود (همان: ۹۱). بی‌بی‌بیگم حسینی امام وردی خان از قوچان (بهمن ۱۳۹۷) درباره نقوش انسانی چنین می‌گوید: اغلب افرادی که سوزن‌دوزی می‌کردند تمایلی نداشتند که تصاویر زشت و بد روی پارچه‌هایشان کشیده شود. حتی از کشیدن شمایل و صورت

جدول ۲. نقوش انسانی در آثار سوزن‌دوزی شمال خراسان

	۴		۳		۲		۱
پرده		رو لباسی		رو لباسی		کارکرد: رو لباسی	
بجنورد، دختر سواره		بجنورد، مرد سواره نظام		بجنورد، پرتو زن		شهر و نقش: بجنورد، زن نوازنده	
	۸		۷		۶		۵
تابلو		خُنچه		رو لباسی		کارکرد: پیشانی‌بند اسب	
فاروج، روستای چوکانلو، عروس و داماد		فاروج، روستای چوکانلو، مرد نوازنده		بجنورد، زن شاهزاده		شهر و نقش: قوچان، روستای داغیان، دختر	

	۱۲		۱۱		۱۰		۹
رو لباسی		خُنچه		خُنچه		کارکرد: خُنچه	
بجنورد، زن رقصنده، برگرفته از نگارگری		فاروج، روستای چوکانلو، چوپان یا مرد نی نواز		فاروج، روستای چوکانلو، لیلی و مجنون، برگرفته از نگارگری		شهر و نقش: فاروج، روستای چوکانلو دختر کوزه دار، برگرفته از نگارگری	

ماخذ: نگارندگان

نقشی خیال گونه و زیبا دارند، نشان دهنده طبیعت و جغرافیای غنی منطقه است. آنچه دوزندگان در پیرامونشان دیده اند، همان را خلق کرده اند. پزندگانی که بر شاخساران می خوانند یا در حال پروازند، حیوانات با فرمها و رنگهای مختلف، گویی زنان و دختران روستایی خواسته اند طبیعت را به خانه هایشان آورند و آن را جاودانه کنند. همانند کردن محیط و درون خانه، علاوه بر زیباسازی و تزئین، اشاره به الفت روان زنان و دختران روستایی با طبیعت دارد. گویی می خواهد صبح که از خواب برمی خیزد نگاهش به درخت و پرنده و حیوانات باشد و شب که پلک می نهد در عطر دلایز و سکوت طبیعت آرام یابد. این حیوانات شامل آهو، اسب، اسب سوار، بز ماده، بزغاله، بلبل، پرنده، پروانه، خروس، روباه، شتر، طاووس، قوچ، کبوتر، گاو ماده، گوزن و هُدهُد (شانه به سر) هستند. برخی مانند شتر، طوطی، طاووس، گوزن و نخل مربوط به جغرافیای شمال خراسان نیستند و از جاهای دیگر وام گرفته شده اند. علی اکبر جاوید پناه از بجنورد (آبان ۱۳۹۶) معتقد است برخی از این حیوانات مانند گوزن، از طریق فیلمها و مستندهای آمریکایی تلویزیونی به این آثار راه یافته اند. آمنه دانایی از طراحان نقوش داغیان (فروردین ۱۳۹۷)، می گوید بسیاری از نقوش را از کتابها استخراج و ترسیم نموده است که گاه، ارتباطی با طبیعت منطقه ندارد. روضه گل ایزانلو از بجنورد (آبان ۱۳۹۶) در این باره چنین می گوید: «در روستای کلاته سهراب از توابع بجنورد، نقشه کش از اسپیدان به روستاهای مجاور می رفته است و با خود، کارهای دوخته شده و آماده را می برده تا دوزندگان

نقوش انسانی، به شیوه واقع گرایانه کار شده است که البته بازتاب فرهنگ است. مردی در حال نواختن نی است، زنی می رقصد، دختری با وسایل مورد علاقه اش حضور دارد، دختری در مسیر چشمه با کوزه اش در حال استراحت است و پیوندهای انسانی مثل زوجین که تصاویرشان بسیار نزدیک به نگارگری ایرانی است و مواردی دیگر، همه و همه حضور انکارناپذیر انسان را در طبیعت، محیط پیرامون و غیره را نشان داده است. از نقوش انسانی به راحتی می توان به پوشش، زیورآلات، رنگهای رایج منطقه پی برد. زنان و دختران در پیوند با طبیعت، شادی، کار، زمین و غیره نشان داده شده اند. همچنین در اغلب این دست دوزها انسان کانون توجه است و همه چیز در پیرامون او هویت یافته و شکل می گیرد. هر جا نقش انسانی به چشم می خورد، عناصر زیبایی شناسانه ای چون فرم، تقارن، حرکت، کادربندی و غیره وجود دارد. آنچه در این دست دوزها برجسته شده، فراوانی بالای تصویر جنس مؤنث است. یکی از دلایل آن می تواند نقش تأثیرگذار زنان در جوامع باشد و یا چون اغلب رودوزیها توسط زنان و دختران دوخته شده است، به همان نسبت نیز تصاویر جنس مؤنث، بیشتر به نقوش راه یافته است.

حیوانات

در جوامع روستایی حیوانات نقش بسیار مهمی دارند، زیرا زندگی روستاییان به طور مستقیم به کشاورزی و دامپروری وابسته است. آنها برای ادامه حیات به زمین و حیوان نیاز دارند. از این رو است که حیوانات در کنار گونه های مختلف گیاهی به وفور در رودوزیها به چشم می خورد. گوناگونی حیوانات و پزندگان که با ذوق و سلیقه و دقت بی ماندی،

آمده است (۱۹:۶۷) خروس، در سراسر جهان نماد خورشید است؛ زیرا بانگ خروس طلوع خورشید را بشارت داده و نور و رستاخیز است (شوالیه، ۱۳۸۸: ۳/۹۴-۹۱). روباه تضادهای درونی طبیعت بشری را تجسم می‌بخشد (همان: ۳۶۵). شتر مظهر قناعت و برکت است. طاووس با پرستش درخت و خورشید تداعی می‌شود. مظهر بی‌مرگی، طول عمر، عشق نماد طبیعی ستارگان آسمان است. دنیادوستی و تکبر و بطالت نشانه‌های جدید او هستند (کوپر: ۱۳۸۶: ۲۵۲). قوچ، تند و تیز، مذکر، غریزی و قدرتمند، نماد نیروی تولید و تناسل که انسان و مردم دنیا را بیدار می‌کند. تجدید مدار زندگی را در بهار زندگی و همچنین در بهار و فصل‌ها ضمانت می‌کند (شوالیه، ۱۳۸۵: ۴/۶۸). کبوتر پرنده‌ای است بی‌نهایت اجتماعی که همواره بر ارزش‌های مثبت نمادگرایی‌اش تأکید شده است (همان: ۵۲۷). گاو نماد زمین روزی‌بخش است (همان: ۶۷۰). گوزن، به دلیل شاخ‌های بلندش که مرتباً تجدید می‌شوند، اغلب با درخت زندگی مقایسه شده است. گوزن نماد باروری، ضرب‌آهنگ (ریتم) رشد و تولد دوباره است (شوالیه، ۱۳۸۵: ۴/۷۶۹). هدهد (شانه‌به‌سر) در قرآن مجید (۲۰:۲۷) به‌عنوان قاصد میان سلیمان و ملکه سبا است. (جدول ۳)

نقوشی را که دوست دارند انتخاب کنند. همچنین در روستای باغچق و جاجرم نیز این هنر رواج داشته است». آهو، اساساً نماد زنانگی است. در ارتباط با کودکان معصوم نقش مادر-تایه را بر عهده دارد (شوالیه، ۱۳۸۷: ۱/۳۱۲). در اسطوره‌ها و مراسم دینی بسیاری از تمدن‌ها، اسب مقامی شامخ دارد. در وهله اول، نماد خورشید بود و گردونه او را می‌کشید و برای خدایان خورشید، قربانی می‌شد (هال، ۱۳۹۰: ۲۴). اسب‌سوار نماد پیروزی و شوکت است. سوار همان‌گونه که بر موکب خود مسلط است بر نیروی دشمن نیز غالب است (شوالیه، ۱۳۸۷: ۱/۱۶۶). طراح با توجه به خواسته صاحب پارچه نقوش را می‌کشید. تصویر حیوانات منطقه مثل اسب و پلنگ بیشتر رسم می‌شده است (بی‌بی‌بیگم حسینی، بهمن ۱۳۹۷). بز چه از نظر جسمانی و چه از نظر معنوی نماد تایه و معلم معنوی بود، اما توارد ذهنی دمدمی بودن بز نیز نشانه برکت و نعمتی نامنتظر از طرف خداوند است (شوالیه، ۱۳۸۸: ۲/۹۴). بلبل، در سراسر جهان به‌خاطر زیبایی آوازش مشهور است. این پرنده که تمام شاعران آن را رامشگر عشق می‌خوانند، تمامی احساساتی را جان می‌بخشد که در ارتباط نزدیک با عشق و مرگ باشد. در اسلام پرندگان به‌طور خاص نماد فرشتگان هستند. پرنده به‌عنوان نماد جاودانگی روح در قرآن و در شعر

۱. «آیا به پرندگان بر فراز سرشان نگرسته‌اند که بال گشاده‌اند و فرو بندند [آن را]، هیچ‌کس جز خداوند رحمان آن‌ها را نگه نمی‌دارد که او به هر چیزی بیناست».

۲. «و سپس از [حال] مرغان را باز جست و گفت مرا چه می‌شود که هدهد را نمی‌بینم، یا شاید از غایبان است؟»

جدول ۳. نقوش حیوانی در آثار سوزن‌دوزی شمال خراسان

	۴		۲		۲		۱
رو لباسی		رو رختخوابی		پرده جلو طاقی		کارکرد: پرده	
قوچان، بلبل		قوچان، روستای داغیان، خروس		فاروج، روستای چوکانلو، طاووس		شهر و نقش: بجنورد، طاووس	
	۸		۷		۶		۵
پرده		رو لباسی		رو لباسی		کارکرد: پرده جلو طاقی	
بجنورد، پروانه		شیروان، روستای گلیان، طوطی		قوچان، کبوتر		قوچان، روستای سالانقوج، هدهد	
	۱۲		۱۱		۱۰		۹
پرده		پرده		رو لباسی / پرده جلو طاقی		کارکرد: رو لباسی	
بجنورد، قوچ		بجنورد، شتر		بجنورد، گوزن		قوچان، روستای داغیان، روباه	
	۱۶		۱۵		۱۴		۱۳
رو لباسی		رو لباسی		رو لباسی		کارکرد: پرده	
بجنورد، آهو		بجنورد، بزغاله		قوچان، گوزن		شهر و نقش: بجنورد، گاو / گوساله	

ماخذ: نگارندگان

گیاهان

مردمی نشانه‌های بسیاری از پدر-درخت یا مادر-درخت در دست است که سرانجام به درخت-نیاکان انجامیده و تصویر آن به تدریج از محتوای اساطیری‌اش جدا شده است (همان: ۲۰۰). در شرق هم مثل غرب، درخت زندگی اغلب به صورت واژگون است. این واژگونی، بنا بر متن‌های ودایی، مفهومی از نقش خورشید و نور را در رشد موجودات القا می‌کند: در آن بالاست که آن‌ها زندگی را به عاریت می‌گیرند و در این پایین است که کوشش می‌کنند آن را نفوذ دهند. به این ترتیب، در این تصویر واژگون، شاخه‌ها نقش ریشه و ریشه‌ها نقش شاخه را بر عهده دارند؛ یعنی زندگی از آسمان می‌آید و در زمین فرو می‌رود (همان: ۱۹۳). گل، نماد عشق و هماهنگی است و به طبیعت نخستین شکل می‌دهد. گل همسان با نمادگرایی کودکی و به ترتیبی همسان با مرحله عدنی است (شوالیه، ۱۳۸۵: ۴/۷۲۷) (جدول ۴).

گیاهان سرشار از رنگ‌های گوناگون، نقوش مختلف، ریتم، تکرار، تقارن و غیره نشان‌دهنده اقلیم منطقه است. درخت زندگی، گل‌های سه پر، پنج پر، هفت پر و نه پر، طرح درختی به صورت شمسه و غیره، طبق نظر مصاحبه‌شونده‌ها برگرفته از نوع پوشش گیاهی و کشاورزی منطقه است و حتی برخی درخت‌ها و میوه‌ها در وضعیت معیشتی مردم مؤثر است. گل‌های موجود در سوزن‌دوزی‌ها اغلب با توجه به درخت‌ها و گیاهانی که در منطقه بوده است رسم گردیده، همچون گل آلبالو، گل گیلان، گل سیب و پیچک. وجود گلدان در نقوش هم مورد تأکید بوده است (بی‌بی بیگم حسینی، بهمن ۱۳۹۷) درخت را بسیاری از اقوام باستانی به عنوان جایگاه خدا می‌پرستیدند و نماد کیهان، منبع باروری و نماد دانش و حیات جاودانی بود (هال، ۱۳۸۵: ۲۸۵). در افسانه‌های





جدول ۴. نقوش گیاهی در آثار سوزن‌دوزی شمال خراسان

	۱		۲		۳		۴
کارکرد: رو لباسی		رو رختخوابی		رو لباسی		پرده جلو طاقی	
شهر و نقش: فاروج، روستای خسروی، دسته‌گل		فاروج، روستای خسروی، طرح درختی / گل سه پر		فاروج، روستای چوکانلو، طرح درختی / ده پر، هفت پر و سه پر		قوچان، روستای سالانقوج، طرح درختی / هشت پر و لاله	
	۵		۶		۷		۸
کارکرد: پرده جلو طاقی		سفره		کیسه وسایل حمام عروس و داماد		رو لباسی	
شهر و نقش: فاروج، روستای چوکانلو، طرح درختی به صورت شمسه		فاروج، روستای مَفرنقاه، طرح درختی، نه پر و هشت پر		قوچان، روستای داغیان، دسته‌گل، لاله وحشی		بجنورد، نخل	

ماخذ: نگارندگان

درختان میوه: بیشتر تصاویر این جدول، اشاره مستقیمی به اقلیم و جغرافیای منطقه دارد (جدول ۵).

جدول ۵. نقوش درختان میوه در آثار سوزن‌دوزی شمال خراسان

	۴		۳		۲		۱
پرده	جا پشتی	رو لباسی	کارکرد: رو لباسی / پرده	شهر و نقش: بجنورد، انگور	قوچان، آلبالو	قوچان، روستای داغیان، پرتقال	بجنورد، آلبالو

ماخذ: نگارندگان

۱۳۹۶) می‌گوید: شامل اشکالی چون تاج، شمشیر، پرچم و سواره‌نظام هستند که بازتاب دوره‌ی تاریخی خاصی هستند و اعتقاد و وفاداری افراد به‌خاک و سرزمین را نشان می‌دهد؛ همچنین به‌نوع حاکمیت آن دوران اشاره دارند و تحت تأثیر جریان‌ات روز خلق شده‌اند.

هر جامعه سازمان‌یافته‌ای دارای علائم و نشانه‌های خاص خود است: توت‌ها، علم‌ها، کُتل‌ها، پرچم‌ها که همیشه بر نوک یا قله‌ای جای می‌گیرد. پرچم به ترتیبی کلی نشانه‌ی اعلان‌جنگ است و گاهی علامت فرماندهی، اتحاد و مقام ریاست. پرچم نماد حمایتی است که ارزانی شده یا درخواست شده (شوالیه، ۱۳۸۸: ۱۸۶/۲). تاج سه عامل اصلی را در برمی‌گیرد. جاگیری آن بر تارک سر که به آن مفهومی از ارتفاع می‌دهد. عطیه‌ای محسوب می‌گردد از عالم بالا. تاج، نماد سلطنت، قدرت، پیروز و نیل به افتخارات است (هال، ۱۳۹۰: ۲۳۳). شمشیر، بیش از هر چیز نماد وضعیت نظامی است. فضیلت آن رشادت است و کاربرد آن، قدرت (شوالیه، ۱۳۸۵: ۸۴/۴) (جدول ۶ و نمودار).

اشیاء

اشیاء منقوش بر پرده‌ها وجهه شمایل نگارانه دارند و در واقع به رمز درآمده‌اند. شمشیر، رمز قدرت و حکومت است، پرچم، رمز ملیت و اتحاد است. تاج، رمز سلطنت و پادشاهی است و نشان می‌دهد زمانی که این رودوزی‌ها دوخته شده‌اند در برهه‌ای از تاریخ حکومت سلطنتی بوده است. برخی دیگر از اشیاء نیز از محیط زندگی دوزندگان وام گرفته و کاربردی هستند، مانند کوزه، کتری، آبپاش، کیف، میز و گلدان.

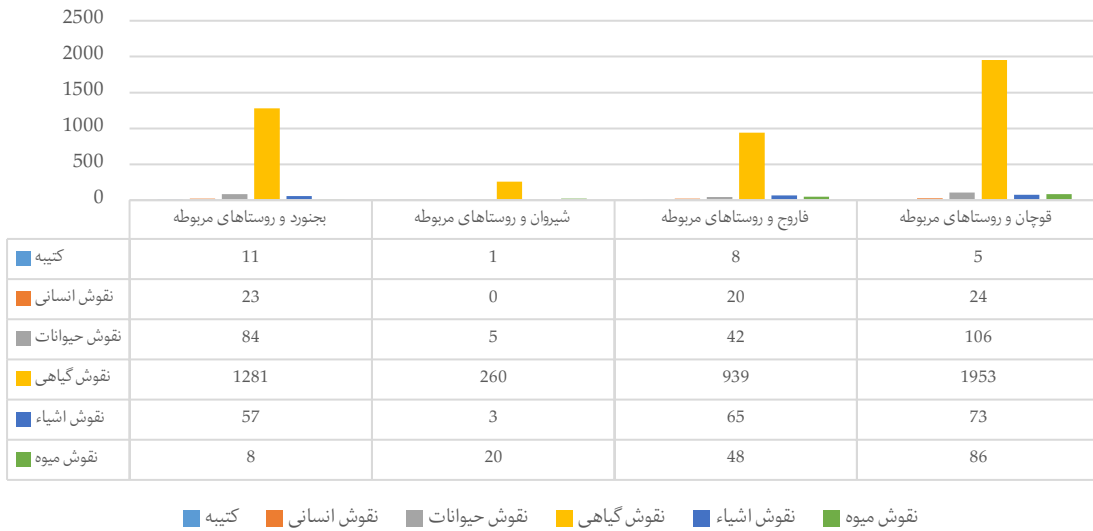
هر قومی هنر خاص خود را دارد که از دیدگاه و جهان‌بینی خاصی که دربرگیرنده باورهایشان است، شکل می‌گیرد. هنرمند ارزش‌ها و باورها را نه تنها با مردم بلکه با تمام جامعه در میان می‌گذارد. وجود اشتراک میان افراد جامعه و تجلی آن در هنر باعث درک و شناخت آن توسط افراد جامعه می‌شود. هنر برای هنر در مورد هنر بومی بی‌معنا است. از دیدگاه انسان‌شناسی، هنر شامل اشیایی با ویژگی‌هایی است که برای نمایاندن و یا زیبای‌شناختی و معناشناختی بازنمایی به کار گرفته می‌شود (مورفی، ۱۳۸۵: ۳۱). برخی از رودوزی‌ها، آن‌گونه که علی‌اکبر جاوید پناه از بجنورد (آبان

جدول ۶. نقوش اشیاء در آثار سوزن‌دوزی شمال خراسان

	۴		۳		۲		۱
رو لباسی	پرده	بجنورد، شمشیر	بجنورد، نشانه ملی و تاریخی، تاج پادشاهی	رو لباسی	بجنورد، نشانه ملی و تاریخی، پرچم و تاج پادشاهی	کارکرد: رو لباسی	شهر و مضمون: قوچان، نشانه ملی و تاریخی، پرچم و تاج پادشاهی
	۸		۷		۶		۵
دستمال	خُنچه	فاروج روستای چوکانلو، کتری	فاروج روستای چوکانلو، کوزه	خُنچه	فاروج روستای چوکانلو، کوزه	کارکرد: پرده جلو طاقی	شهر و نقش: فاروج روستای چوکانلو، گلاب‌پاش
فاروج روستای خسروی، آب‌پاش							
	۱ ۲		۱ ۱		۱۰		۹
رو لباسی	پیشانی‌بند اسب	قوچان روستای داغیان، کیف	قوچان روستای داغیان، کیف	رو لباسی / رو رختخوابی	قوچان، کیف	کارکرد: رو لباسی	شیروان روستای گلیان، میز و گلدان
قوچان روستای داغیان، گلدان							

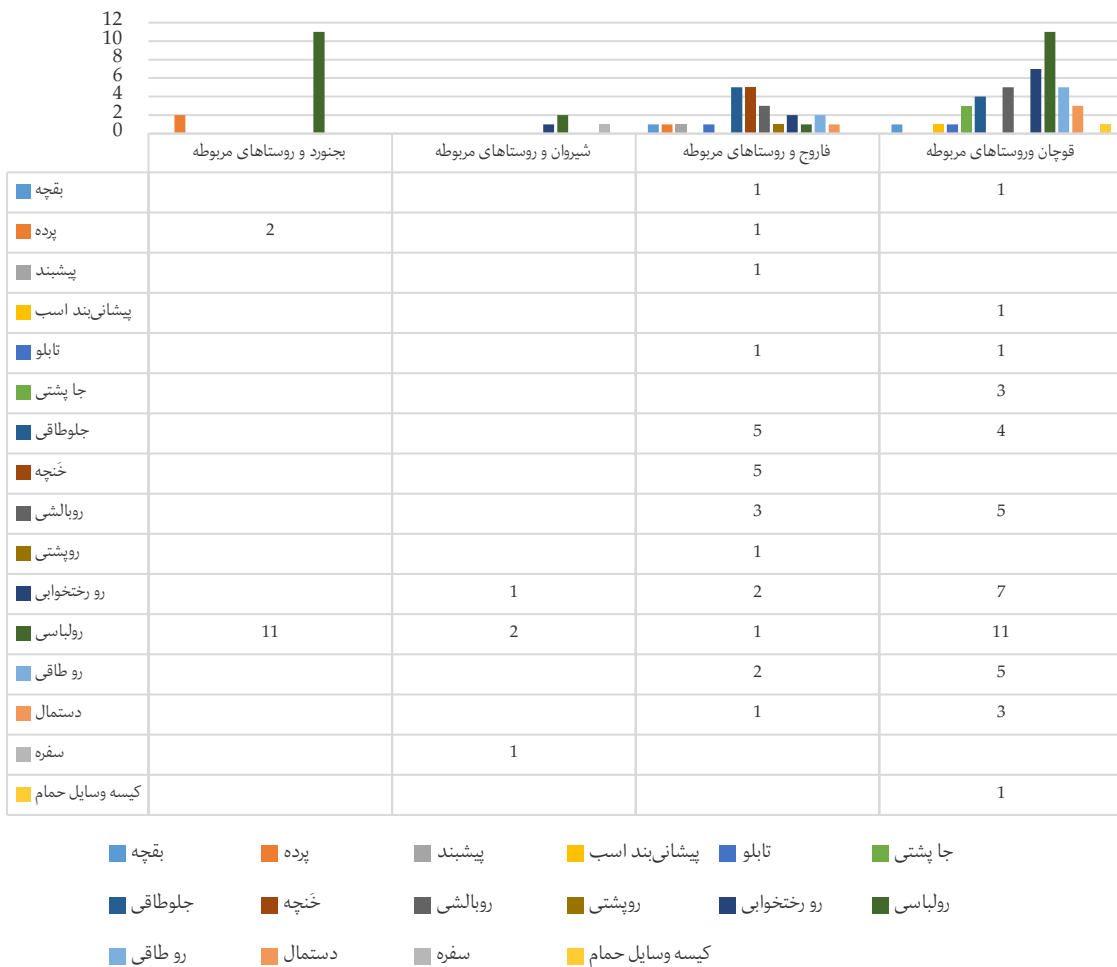
ماخذ: نگارندگان

نمودار ۱. فراوانی نقوش سوزن دوزی شده در مناطق مختلف مورد مطالعه شمال خراسان



منبع: نگارندگان

نمودار ۲. فراوانی آثار کاربردی مورد مطالعه در سوزن دوزی های شمال خراسان (۸۲ اثر)



ماخذ: نگارندگان

نتیجه‌گیری

یافته‌ها حاکی از آن است که سوزن‌دوزی در منطقه شمال خراسان از قدیم تاکنون رواج داشته و دارد؛ اگرچه این هنر در معرض نابودی است و مانند گذشته به آن پرداخته نمی‌شود. با توجه به مطالعه و بررسی‌های میدانی، طبیعت‌گرایی و واقع‌گرایی بسیار مورد توجه دوزندگان است. اغلب آن‌ها از مواد و ابزارهای مشترک استفاده کرده‌اند و محیط زندگی و اقلیم، بر خلق آثار تأثیر گذاشته است. همچنین نقوش در مناطق مختلف تکرار شده که معلول طراحان در حال سفر است و یا نمونه‌های دوخته‌شده، بین دوزندگان، دست‌به‌دست شده و دوزندگان الگوبرداری کرده‌اند. کاربرد رودوزی‌ها نیز در مناطق مختلف با یکدیگر شباهت دارند که نشان‌دهنده سبک مشترک زندگی و فرهنگ حاکم بر منطقه است. ابعاد پارچه‌ها و رنگ‌های استفاده شده که اغلب رنگ‌های تند و اصلی هستند نیز در مناطق یادشده مشترک است. صراحت فرم، عدم پیچیدگی، تخت بودن تصاویر، استفاده از رنگ‌های شاد، حاشیه‌گذاری، تکرار، ریتم، قرینه‌سازی، توجه به آیین‌ها (ازدواج، تولد، رقص)، اهمیت اشیاء و کاربردشان، نظم، تنوع محدود، بازنمایی طبیعت، استفاده از اشعار، اعتقادات دینی و مذهبی (اسماء مقدس و ائمه)، استفاده از تور برای تزئین، زمینه سفید برای خلق اثر، انطباق اثر با محیط زندگی، اقلیم، جغرافیا و غیره از ویژگی‌های این آثار هستند. این آثار، نشان‌دهنده ماهیت پوشش، باورها و اعتقادات و منزلت هنری هنرمند است. می‌توان از آن‌ها برای مطالعات هنری، اجتماعی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی سود جست. نکته قابل توجه آن‌که دوزندگان اغلب زن‌ها و دختران جوان بوده و به‌عنوان یک حرفه بدان ننگریسته، بلکه برای گریز از دردها، آلام و یا نشان دادن درونیات خویش، گاه بهانه‌ای برای تشکیل اجتماعی کوچک و جلب حامیان معنوی و عاطفی به خلق آن پرداخته‌اند. آثار سنتی از طریق تعاملات فرهنگی و اجتماعی شکل‌گرفته و نظام‌مند شده است و نشان‌دهنده تأثیر متقابل احساسات، اندیشه و شکل ملموس و سیال است و از هر فرد به فرد دیگر در جزئیات متفاوت؛ اگرچه در ساختار و چهارچوب اصلی تابع یک قانون مشترک می‌باشد.

فهرست منابع

۱. اردیبهشتی، زهرا. (۱۳۸۵). *طراحی و دوخت لباس‌های سنتی ایران*. تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
۲. اسفندیاری، صبا. (۱۳۷۰). *نگرشی بر روند سوزن‌دوزی‌های سنتی ایران*. تهران: منتخب صبا.
۳. اسفندیاری، صبا. (۱۳۷۱). *خودآموز ابریشم‌دوزی و انواع سوزن‌دوزی‌های سنتی ایران و جهان دوخت‌های تزئینی شامل: سنگ، پولک، ملیله، مروارید، منجوق، سرمه*. تهران: منتخب صبا.
۴. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۸). *شناخت استان خراسان*. تهران: هیرمند.
۵. بنیادپور، مرحمت. (۱۳۸۴). *شکوفایی هنر سرمه‌دوزی*. تهران: جهان نو.
۶. بی‌بی بیگم، حسینی امام وردی خان. (دی ۱۳۹۷) عنوان مصاحبه: *نقوش سوزن‌دوزی در قوچان*. مکان: شهرستان قوچان.
۷. پزنشکی، شهین. (۱۳۸۶). *طرح‌هایی برای سوزن‌دوزی*. مشهد: آهنگ قلم.
۸. پزنشکی، شهین. (۱۳۹۶). *ابریشم‌دوزی‌های ایرانی ۱*. تهران: فرهنگستان هنر.
۹. جاوید پناه، علی‌اکبر. (آبان ۱۳۹۶). عنوان مصاحبه: *نقوش سوزن‌دوزی در بجنورد*. مکان: شهرستان بجنورد.
۱۰. خاموشی، زهرا. (۱۳۸۷). «تحول کاربرد تزئین در سوزن‌دوزی بلوچ و ترکمن به شیوه سنتی و مدرن». *مطالعات هنر اسلامی*. (شماره ۹)، ۷۳-۹۸.
۱۱. دانایی، آمنه. (فروردین ۱۳۹۷). عنوان مصاحبه: *نقوش سوزن‌دوزی در قوچان*. مکان: روستای داغیان.
۱۲. دلاور، وجیهه، و علیرضا شیخی. (۱۳۹۷). «تحلیل پرده‌های سوزن‌دوزی خراسان در دوره معاصر از منظر انسان‌شناسی هنر (بررسی موردی در شهرستان‌های کاشمر و تربت‌حیدریه)». *مطالعات هنر اسلامی*. (شماره ۳۱)، ۵۶-۳۶.
۱۳. رضازاده خسرویه، رزق‌الله. (۱۳۸۴). *قوچان بام خراسان*. مشهد: پژوهش طوس.
۱۴. روضه‌گل، ایزانلو. (آبان ۱۳۹۶). عنوان مصاحبه: *نقوش سوزن‌دوزی در بجنورد*. مکان: شهرستان بجنورد.

۱۵. سید صدر، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *دایرةالمعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن*. تهران: سیمای دانش.
۱۶. شاکری، رمضانعلی. (۱۳۶۵). *اترکنامه تاریخ جامع قوچان*. تهران: امیرکبیر.
۱۷. شوالیه، ژان گریبان، آلن. (۱۳۷۸). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضاییلی. ج ۱. تهران: جیحون.
۱۸. شوالیه، ژان گریبان، آلن. (۱۳۸۵). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضاییلی. ج ۴. تهران: جیحون.
۱۹. شوالیه، ژان گریبان، آلن. (۱۳۸۷). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضاییلی. ج ۵. تهران: جیحون.
۲۰. شوالیه، ژان گریبان، آلن. (۱۳۸۸). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضاییلی. ج ۳، ۲. تهران: جیحون.
۲۱. شیخ، محمد رضا. (۱۳۸۹). *راهنمای گردشگری استان‌های خراسان*. مشهد: ارسلان.
۲۲. عناصری، جابر. (۱۳۸۰). *مردم‌شناسی و روانشناسی هنری*. تهران: رشد.
۲۳. فرخ‌سرشت، مهین، و صدیقه زمانی. (۱۳۹۳). *سوزن‌دوزی و بافتنی*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۲۴. قاسمی، مرضیه، و دیگران. (۱۳۹۲). «ساختار صورتی نقوش طبیعی در سوزن‌دوزی زنان بلوچ (شهرستان سراوان)». *نگره*. تهران، (شماره ۲۸)، ۷۳-۶۱.
۲۵. *قرآن کریم*.
۲۶. کوپر، جی سی. (۱۳۸۶). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*. ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
۲۷. گلاگ، جی، گلاگ سومی‌هیراماتو (۱۹۷۷). *سیری در صنایع دستی ایران*. ترجمه تهران: بانک ملی ایران.
۲۸. مرگانی، سید حسین. (۱۳۸۰). *گل‌های ابریشمی*. تهران: سروش.
۲۹. مورفی، هوارد. (۱۳۸۵). «انسان‌شناسی هنر». ترجمه هایده عبدالحسین زاده. *فرهنگستان هنر، خیال*. (شماره ۱۷)، ۶۹-۲۰.
۳۰. نیک‌کار، فرخنده. (۱۳۷۵). *دریچه‌ای به گلستان هنر سوزن‌دوزی*. تهران: بهجت.
۳۱. هال، جیمز. (۱۳۹۰). *فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
۳۲. هنرمند، رویا. (۱۳۸۹). *سوزن‌دوزی‌های سنتی رایج در خراسان جنوبی*. تهران: محراب فکر.